رضا مدحسنی/ جوان

۱۵ مهر و عملیات طوفان الاقصی یک نقطه عطف در تاریخ مقاومت ملت فلسطین مقابل اشغالگری است. در حال حاضر هم حدود سه ماه از نبرد حماس و رژیم‌صهیونیستی سپری شده است. در ابتدای گفت‌وگو ارزیابی‌ای از آخرین تحولات غزه داشته باشید تا وارد ابعاد مختلف این تحول در جغرافیای مقاومت شویم.

چند ده روز است که جنگ گسترده و شدید اسرائیلی‌ها علیه نوار کوچک اشغالی غزه در جریان است؛ از هوا، زمین و دریا. در عین حال که اسرائیلی‌ها پیشروی‌هایی داشته‌اند ولی به نظر می‌رسد صحنه میدانی در حقیقت با یک نوع انسداد و قفل شدگی مواجه است، یعنی به رغم همه شعارهایی که می‌دهند و تصویرسازی‌هایی که می‌کنند، نقمه‌های بلند شده درون جامعه صهیونیستی از سیاستمداران و مقامات نظامی و امنیتی سابق که به نسبت مقامات رسمی راحت‌تر می‌توانند صحبت کنند تا گزارش‌های مختلف رسانه‌ای، واقعیت‌های میدان و گزارش‌های طرفین درگیری، مجموعه‌ای را که در یک قاب بگذاریم به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها با یک قفل شدگی مواجه شده‌اند، می‌خواهند بگویند که کار دارد پیش می‌رود اما عملاً کار با انسداد و توقف مواجه است. این ارزیابی مختصر من از صحنه امروز غزه است.

در مورد دلیل این انسداد هم توضیح دهید، چرا که روی کاغذ قدرت نظامی حماس و رژیم‌صهیونیستی فاصله زیادی با هم دارند. با این حال، اسرائیل به تعبیر شما در غزه دچار انسداد شده است. آیا این انسداد را پیش‌بینی می‌کرد و اینکه چرا نتوانست در غزه به موفقیت دست پیدا کند؟

اینکه انسداد چرا ایجاد شده، مشخص است و خیلی نیاز به تحلیل ندارد و آن هم مسئله تاب‌آوری فلسطینیان است، با وجود تفاوت فاحش با لحاظ امکانات مادی بین دو طرف که یکی ارتش کلاسیک با تمامی امکانات مدرن دنیا و با حمایت گسترده سیاسی، نظامی و بین‌المللی از پشت سر خود دارد و قدرت‌های جهانی هم از آن حمایت می‌کنند اما طرف دیگر، صحنه یک مقاومت مردمی البته توانمند است که از همه جا در محاصره است اما تاب‌آوری و مقاومت فلسطینی‌ها صحنه را تغییر داده است. غزه هم از دریا و هم از زمین از سه سمت شمال، جنوب و شرق در محاصره اسرائیل است و از سمت غرب و جنوب غربی در واقع در محاصره مصر است. مصر هم با توجه به قرارداد کمپ دیوید و مجموعه تعهداتی که هم نسبت به اسرائیل و هم نسبت به قدرت‌های بین‌المللی دارد، تقریباً نقش نگهبان اسرائیل را با کمال تأسف، ایفا می‌کند. حداقل به لحاظ رسمی این شغاف و روشن است. خب در این محاصره و بدون باز بودن عقبه کار بسیار دشواری است. به هر حال مثلاً در جنگ لبنان عقبه لبنان از طریق سوریه باز بود. گرچه مقاومت لبنان هم از جهات دیگری در محاصره بود، ولی این عقبه استراتژیک به لحاظ امداد و پشتیبانی باز بود و همین‌طور حمایت‌های آشکار سیاسی و دیپلماتیک حداقل سوریه و ایران به مقاومت لبنان کمک می‌کرد، اما وضعیت غزه به کلی متفاوت است. مقاومت فلسطین از یک حمایت عمومی جهانی به لحاظ افکار عمومی برخوردار است که این اجازه را می‌دهد بتواند تاب‌آوری خود را حفظ کند. این حمایت جهانی به لحاظ افکار عمومی است اما این ملموس نیست و بیشتر معنوی است. وقتی به صحنه ارزیابی‌ها و محاسبات مادی توجه می‌کنیم، مشکل بسته بودن جغرافیایی و امداد و لجستیک مسئله اساسی مقاومت فلسطین است. همین‌طور وضعیت حمایت رسمی سیاسی و دیپلماتیک که به نفع اسرائیل است. از این لحاظ هم برخی کشورها همانند ایران در عالی‌ترین سطح و بسیار شفاف و تعدادی از کشورها هم در سطوح پایین‌تر از مقاومت فلسطین حمایت کردند، ولی در مجموع خیلی نمی‌شود به این مسئله اتکا کرد. چون مرزها بسته است، جغرافیای محاصره وجود دارد. از طرف دیگر اکثر دولت‌ها از مقاومت فلسطین حمایت نمی‌کنند یا این حال، سه ماه درگیری گسترده و بمباران وحشتناک اسرائیلی‌ها را هم ملت فلسطین و هم مقاومت فلسطین تحمل کرده‌اند. صحنه غزه همچنان صحنه مقاومت است؛ مقاومت مستحکم و تحمیل تعداد قابل توجه کشته‌ها و خسارت‌ها به طرف اسرائیلی، البته اسرائیلی‌ها یک سانسور گسترده در اخبار اعمال می‌کنند. غیرطبیعی هم نیست در جنگ‌ها معمولاً دولت‌ها ضوابطی برای نشر اخبار اعمال می‌کنند و این طبیعت کار است.

یعنی احتمال می‌دهید تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها بیشتر از این آمار رسمی است که اعلام کردند؟

علی‌الاصول ما باید مجموعه‌ای از قرائن را کنار هم بگذاریم. مجموعه گزارش‌های گروه‌های مقاومت فلسطینی یک شاهد است. مقاومت فلسطینی از ابتدای جنگ گزارش‌های مختلفی را از تعداد کشته‌شدگان و مجروحان اسرائیلی منتشر کرده است. ممکن است در جنگ عدم‌دقت‌ها و هم اغراقی به لحاظ جنگ‌روانی در این گزارش‌ها باشد، یعنی طبیعی است چیز غیرعادی نیست. در یک شرایط زیر بمباران نمی‌شود گفت که گزارش‌های طرف فلسطینی صد درصد دقیق است. اصلاً این امر شدنی نیست، یک درصدی بی‌دقتی به طبیعت صحنه جنگ و صحنه غزه تحمیل می‌شود، یک درصدی هم می‌شود در نظر گرفت که یک بخشی از هر جنگ، جنگ روانی است. یک مقدار اغراق یا نیز گنمایی در گزارش‌ها وجود داشته باشد اینها باز طبیعی است. من نمی‌گویم هست، می‌گویم اگر ثابت شود که چنین چیزی هم بود، چیز غیرعادی نیست، بنابراین باید با ملاحظه این دو تبصره به گزارش‌های فلسطینی‌ها نگاه کرد. گزارش‌های اسرائیلی‌ها هم از آن جهت که دولتی است گرچه ما قبول نداریم و جعلی است، اما بالاخره دولتی است. ظاهرش هم این است که با یک حساب و کتاب دارند گزارش می‌دهند. از این زاویه گزارش‌های آنها باید دقیق باشد، یعنی آن عدم دقت در یک صحنه مقاومتی اینجا شامل حال این گزارش‌ها نمی‌شود ولی یک قاعده هم شامل حال این گزارش‌ها می‌شود و آن این است که در شرایط جنگی هیچ کشوری و هیچ حکومتی این گونه عادی اخبار را همانند نفل و نبات پخش نمی‌کند، یعنی سانسور و ضابطه اعمال می‌کند و حتماً هم اسرائیلی‌ها دارند این قاعده را اجرا می‌کنند. مؤلفه دیگری که می‌تواند به ما کمک کند، برخی گزارش‌های رسانه‌های غیررسمی اسرائیلی هاست. مثلاً تا مقطعی، یعنی تا دو هفته قبل، اسرائیلی‌ها اعلام کرده بودند هزار و ۹۰۰ مجروح در جنگ داشتند. خب، برخی گزارش‌های رسانه‌های رسمی اسرائیلی، یعنی رسانه‌های معروف و شناخته شده تعداد مجروحان را حدود سه‌برابر این عدد اعلام می‌کنند. اگر این را یک قرینه بگیریم، پس ارتش رژیم‌صهیونیستی حدود ۶ هزار نفر مجروح داشته است که از این تعداد حدود ۳ هزار نفر معلول شده‌اند. این امر می‌تواند نشانه و راهنمایی برای تخمین تعداد کشته شدگان ارتش اسرائیل هم باشد، یعنی تعداد کشته شدگانی که اعلام می‌شود باید حدود سه برابر کنیم و احتمالاً این تعداد واقعی است. آنچه فلسطینی‌ها اعلام می‌کنند، نزدیک ۱۰ برابر است. حالا نمی‌توانیم قضاوت قطعی کنیم اما آن چیزی که مشخص است چند برابر بودن تعداد کشته شدگان به نسبت آمار رسمی است. این گزارش‌ها براساس منابع وزارت جنگ اسرائیل است. در مجموع با در نظر گرفتن همه این شرایط ما شاهد مقاومتی اسطوره‌ای اگر نگوییم بی‌نظیر، قطعاً کم‌نظیر، از سوی مردم غزه و گروه‌های مقاومت هستیم.

عملیات طوفان الاقصی و اتفاقی که در ۱۵ مهر رخ داد بدون تردید نقطه تحول در مسئله آرمان فلسطین است. افکار عمومی همچنان این سؤال را در ذهن دارد که این ورق جنگ نامتوازن بین مقاومت فلسطین و رژیم‌صهیونیستی چگونه در ۱۵ مهر منحول شد و حماس توانست دست بالا را پیدا کند و به تعبیر رهبری ضربه غیرقابل جبران به اسرائیل بزند؟

تاریخ مسئله فلسطین و رژیم‌صهیونیستی یک تاریخ چند دهه‌ای و نزدیک به یک سده است و از تأسیس رژیم‌صهیونیستی هم ۷۵ سال حدود سه‌برابر این عدد اعلام می‌کنند. اگر این را یک قرینه بگیریم، پس ارتش رژیم‌صهیونیستی حدود ۶ هزار نفر مجروح داشته است که از این تعداد حدود ۳ هزار نفر معلول شده‌اند. این امر می‌تواند نشانه و راهنمایی برای تخمین تعداد کشته شدگان ارتش اسرائیل هم باشد، یعنی تعداد کشته شدگانی که اعلام می‌شود باید حدود سه برابر کنیم و احتمالاً این تعداد واقعی است. آنچه فلسطینی‌ها اعلام می‌کنند، نزدیک ۱۰ برابر است. حالا نمی‌توانیم قضاوت قطعی کنیم اما آن چیزی که مشخص است چند برابر بودن تعداد کشته شدگان به نسبت آمار رسمی است. این گزارش‌ها براساس منابع وزارت جنگ اسرائیل است. در مجموع با در نظر گرفتن همه این شرایط ما شاهد مقاومتی اسطوره‌ای اگر نگوییم بی‌نظیر، قطعاً کم‌نظیر، از سوی مردم غزه و گروه‌های مقاومت هستیم.

با این وضعیت و با توجه به موفقیت عملیات طوفان الاقصی پس باید منتظر تقویت گفتمان مقاومت در بین ملت فلسطین و انزوای بیشتر جریان سازش طلب باشیم.

بله. اصلاً گزینه دیگری وجود ندارد. این حرف هر فرد ما در ایران نیست، بلکه گزارش‌های بین‌المللی هم آن را تأیید می‌کند. در واقع کسی که باد می‌کارد طوفان درو می‌کند. وقتی اسرائیل دست به این کشتار عظیم می‌زند و کسی جلوی آن را نمی‌گیرد، ملت فلسطین جز مقاومت راه دیگری ندارد. عملیات طوفان الاقصی در واقع یک نقطه عطف اساسی بود که نتایج آن را اکنون در لبنان دیدیم و اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی بدون قید و شرط برای اولین بار شد. این اتفاق سال ۲۰۰۰ افتاد. مسیر صلح وقتی به سازمان آزادی‌بخش فلسطین رسید، در اسلو این سازمان مسیر صلح را امتحان کرد، اما ابتدایی‌ترین حقوق ملت فلسطین را هم نتوانست بگیرد و به بن‌بست خورد و اسرائیلی‌ها حاضر به دادن حقوق حداقلی فلسطینی‌ها هم نشدند. عملاً اسرائیل از مسیر صلح به عنوان ابزار فریب استفاده کرد. این موضوع باعث شد مسیر صلح در صحنه فلسطین با بن‌بست مواجه شود و این هم یک نقطه عطف بود. صحنه امروز را باید در این بستر تحلیل کرد.

با این وضعیت و با توجه به موفقیت عملیات طوفان الاقصی پس باید منتظر تقویت گفتمان مقاومت در بین ملت فلسطین و انزوای بیشتر جریان سازش طلب باشیم.

بله. اصلاً گزینه دیگری وجود ندارد. این حرف هر فرد ما در ایران نیست، بلکه گزارش‌های بین‌المللی هم آن را تأیید می‌کند. در واقع کسی که باد می‌کارد طوفان درو می‌کند. وقتی اسرائیل دست به این کشتار عظیم می‌زند و کسی جلوی آن را نمی‌گیرد، ملت فلسطین جز مقاومت راه دیگری ندارد. عملیات طوفان الاقصی در واقع یک نقطه عطف اساسی بود که نتایج آن را اکنون در لبنان دیدیم و اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی بدون قید و شرط برای اولین بار شد. این اتفاق سال ۲۰۰۰ افتاد. مسیر صلح وقتی به سازمان آزادی‌بخش فلسطین رسید، در اسلو این سازمان مسیر صلح را امتحان کرد، اما ابتدایی‌ترین حقوق ملت فلسطین را هم نتوانست بگیرد و به بن‌بست خورد و اسرائیلی‌ها حاضر به دادن حقوق حداقلی فلسطینی‌ها هم نشدند. عملاً اسرائیل از مسیر صلح به عنوان ابزار فریب استفاده کرد. این موضوع باعث شد مسیر صلح در صحنه فلسطین با بن‌بست مواجه شود و این هم یک نقطه عطف بود. صحنه امروز را باید در این بستر تحلیل کرد.

پس جنگ فعلی طولانی‌ترین جنگ است؟

بله طولانی‌ترین نبرد دو طرف است. در دوره مقاومت نخبه‌ای و در بستری که کشورهای عربی در حال خارج شدن از صحنه آرمان فلسطین بودند و مصر شروع به سازش کرده بود، این گروه‌ها آرمان فلسطین را زنده نگه داشتند. به نظر من در این شرایط، نقاط عطفی در عرصه نبرد و در عرصه سیاسی رخ داد که این نقاط عطف با کمپ‌دیود شروع شد. در عرصه میدانی هم انتفاضه ممدانی این نقطه عطف است. گرچه با سازش مصر دولت‌های عربی به ظاهر اعتراض کردند و مقرر اتحادیه عرب هم از مصر به تونس منتقل شد، اما مصر رافعی را باز کرد که به مرور بقیه دولت‌های عربی هم وارد آن مسیر شدند و حتی سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم برای خود کوه‌های در این فطار برشتاب سازش رزور کرد. خب این یک نقطه عطف است. یک نقطه عطف هم در عرصه نبرد اتفاق افتاد که انتفاضه بزرگ ۱۹۸۷ میلادی بود و این امر چهار سال ادامه پیدا کرد و ستون فقرات ارتش اسرائیل را خرد کرد. ارتش اسرائیل آمادگی برای جنگ‌های کلاسیک و رویارویی با مقاومت نخبه‌ای داشت اما برای مقابله با انتفاضه آمادگی نداشت. وقتی این انتفاضه چهار سال ادامه پیدا کرد، این افترق نیست عین گزارش‌های اسرائیلی‌ها و بین‌المللی است که ارتش اسرائیل تاب‌آوری خود را از دست داد. اسرائیل این فشار را با توافق اسلو از روی دوش خود برداشت. مسئله دیگر هم این بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین تأسیس شد. این جنبش از سوی برخی از خروجی‌های جنبش اسلامی اخوانی فلسطین و برخی از نیروهای جریان‌های ملی و چپ فلسطینی شکل گرفت، یعنی تلفیقی بین مذهب و ملی‌گرایی رخ داد. فعالیت این جنبش بستر را برای تأسیس جریان اصلی اخوانی فلسطین یعنی حماس فراهم کرد. در واقع ما در کمتر از یک دهه شاهد دو تحول در صحنه فلسطین بودیم؛ یکی شکل‌گیری حضور جریان‌های اسلامی هم پیوند با توده مردم در عرصه مبارزه در قالب دو جنبش حماس و جهاد اسلامی که آرمان فلسطین را تقویت می‌کند و دوم بحث انتفاضه است. برای اولین بار صهیونیست‌ها مجبور می‌شوند سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به عنوان نماینده فلسطینی‌ها به رسمیت بشناسند. چون تا آن تاریخ اسرائیلی‌ها کلاً وجود ملت فلسطین را انکار می‌کردند. چون شعار اسرائیلی از اول این بود که سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین و با همین شعار آنجا را اشغال کردند. ایدئولوژی صهیونیستی مجبور می‌شود واقعیت ملت فلسطین را بپذیرد. ۱۷ اکتبر و جنگ غزه را در این بستر تاریخی باید دید. جنگ‌های کلاسیک با پیروزی و ابتکار عمل اسرائیلی‌ها تمام شد. روند صلح مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دولت و ارتش عربی را در کمپ‌دیود از روند آرمان فلسطین خارج و عدم موازنه وحشتناکی به نفع اسرائیل ایجاد و وارد جدیدی در صحنه عربی و اسلامی بار کرد به نام راه صلح که آسمان واقع‌گرایی بود، ولی واقعیت آن به عنوان کارشناسی عرض می‌کنم تسلیم در برابر واقعیت بود. مسیر سوم بحث مقاومت اسلامی و مردمی بود. ترکیب مقاومت مردمی و اسلامی و انتفاضه گسترده توده‌های فلسطینی در واقع یک نقطه عطف اساسی بود که نتایج آن را اکنون در لبنان دیدیم و اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی بدون قید و شرط برای اولین بار شد. این اتفاق سال ۲۰۰۰ افتاد. مسیر صلح وقتی به سازمان آزادی‌بخش فلسطین رسید، در اسلو این سازمان مسیر صلح را امتحان کرد، اما ابتدایی‌ترین حقوق ملت فلسطین را هم نتوانست بگیرد و به بن‌بست خورد و اسرائیلی‌ها حاضر به دادن حقوق حداقلی فلسطینی‌ها هم نشدند. عملاً اسرائیل از مسیر صلح به عنوان ابزار فریب استفاده کرد. این موضوع باعث شد مسیر صلح در صحنه فلسطین با بن‌بست مواجه شود و این هم یک نقطه عطف بود. صحنه امروز را باید در این بستر تحلیل کرد.

با این وضعیت و با توجه به موفقیت عملیات طوفان الاقصی پس باید منتظر تقویت گفتمان مقاومت در بین ملت فلسطین و انزوای بیشتر جریان سازش طلب باشیم.

بله. اصلاً گزینه دیگری وجود ندارد. این حرف هر فرد ما در ایران نیست، بلکه گزارش‌های بین‌المللی هم آن را تأیید می‌کند. در واقع کسی که باد می‌کارد طوفان درو می‌کند. وقتی اسرائیل دست به این کشتار عظیم می‌زند و کسی جلوی آن را نمی‌گیرد، ملت فلسطین جز مقاومت راه دیگری ندارد. عملیات طوفان الاقصی کشته اسرائیلی‌ها است. آقای عرفات تمام سابقه انقلابی خود را قربانی کرد تا با اسرائیلی‌ها به صلح دست پیدا کند، اما اسرائیلی‌ها با او چه کار کردند؟ گفتند او مانع صلح است و عرفات را مسموم کردند و کشتند

پس جنگ فعلی طولانی‌ترین جنگ است؟

بله طولانی‌ترین نبرد دو طرف است. در دوره مقاومت نخبه‌ای و در بستری که کشورهای عربی در حال خارج شدن از صحنه آرمان فلسطین بودند و مصر شروع به سازش کرده بود، این گروه‌ها آرمان فلسطین را زنده نگه داشتند. به نظر من در این شرایط، نقاط عطفی در عرصه نبرد و در عرصه سیاسی رخ داد که این نقاط عطف با کمپ‌دیود شروع شد. در عرصه میدانی هم انتفاضه ممدانی این نقطه عطف است. گرچه با سازش مصر دولت‌های عربی به ظاهر اعتراض کردند و مقرر اتحادیه عرب هم از مصر به تونس منتقل شد، اما مصر رافعی را باز کرد که به مرور بقیه دولت‌های عربی هم وارد آن مسیر شدند و حتی سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم برای خود کوه‌های در این فطار برشتاب سازش رزور کرد. خب این یک نقطه عطف است. یک نقطه عطف هم در عرصه نبرد اتفاق افتاد که انتفاضه بزرگ ۱۹۸۷ میلادی بود و این امر چهار سال ادامه پیدا کرد و ستون فقرات ارتش اسرائیل را خرد کرد. ارتش اسرائیل آمادگی برای جنگ‌های کلاسیک و رویارویی با مقاومت نخبه‌ای داشت اما برای مقابله با انتفاضه آمادگی نداشت. وقتی این انتفاضه چهار سال ادامه پیدا کرد، این افترق نیست عین گزارش‌های اسرائیلی‌ها و بین‌المللی است که ارتش اسرائیل تاب‌آوری خود را از دست داد. اسرائیل این فشار را با توافق اسلو از روی دوش خود برداشت. مسئله دیگر هم این بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین تأسیس شد. این جنبش از سوی برخی از خروجی‌های جنبش اسلامی اخوانی فلسطین و برخی از نیروهای جریان‌های ملی و چپ فلسطینی شکل گرفت، یعنی تلفیقی بین مذهب و ملی‌گرایی رخ داد. فعالیت این جنبش بستر را برای تأسیس جریان اصلی اخوانی فلسطین یعنی حماس فراهم کرد. در واقع ما در کمتر از یک دهه شاهد دو تحول در صحنه فلسطین بودیم؛ یکی شکل‌گیری حضور جریان‌های اسلامی هم پیوند با توده مردم در عرصه مبارزه در قالب دو جنبش حماس و جهاد اسلامی که آرمان فلسطین را تقویت می‌کند و دوم بحث انتفاضه است. برای اولین بار صهیونیست‌ها مجبور می‌شوند سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به عنوان نماینده فلسطینی‌ها به رسمیت بشناسند. چون تا آن تاریخ اسرائیلی‌ها کلاً وجود ملت فلسطین را انکار می‌کردند. چون شعار اسرائیلی از اول این بود که سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین و با همین شعار آنجا را اشغال کردند. ایدئولوژی صهیونیستی مجبور می‌شود واقعیت ملت فلسطین را بپذیرد. ۱۷ اکتبر و جنگ غزه را در این بستر تاریخی باید دید. جنگ‌های کلاسیک با پیروزی و ابتکار عمل اسرائیلی‌ها تمام شد. روند صلح مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دولت و ارتش عربی را در کمپ‌دیود از روند آرمان فلسطین خارج و عدم موازنه وحشتناکی به نفع اسرائیل ایجاد و وارد جدیدی در صحنه عربی و اسلامی بار کرد به نام راه صلح که آسمان واقع‌گرایی بود، ولی واقعیت آن به عنوان کارشناسی عرض می‌کنم تسلیم در برابر واقعیت بود. مسیر سوم بحث مقاومت اسلامی و مردمی بود. ترکیب مقاومت مردمی و اسلامی و انتفاضه گسترده توده‌های فلسطینی در واقع یک نقطه عطف اساسی بود که نتایج آن را اکنون در لبنان دیدیم و اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی بدون قید و شرط برای اولین بار شد. این اتفاق سال ۲۰۰۰ افتاد. مسیر صلح وقتی به سازمان آزادی‌بخش فلسطین رسید، در اسلو این سازمان مسیر صلح را امتحان کرد، اما ابتدایی‌ترین حقوق ملت فلسطین را هم نتوانست بگیرد و به بن‌بست خورد و اسرائیلی‌ها حاضر به دادن حقوق حداقلی فلسطینی‌ها هم نشدند. عملاً اسرائیل از مسیر صلح به عنوان ابزار فریب استفاده کرد. این موضوع باعث شد مسیر صلح در صحنه فلسطین با بن‌بست مواجه شود و این هم یک نقطه عطف بود. صحنه امروز را باید در این بستر تحلیل کرد.

با این وضعیت و با توجه به موفقیت عملیات طوفان الاقصی پس باید منتظر تقویت گفتمان مقاومت در بین ملت فلسطین و انزوای بیشتر جریان سازش طلب باشیم.

بله. اصلاً گزینه دیگری وجود ندارد. این حرف هر فرد ما در ایران نیست، بلکه گزارش‌های بین‌المللی هم آن را تأیید می‌کند. در واقع کسی که باد می‌کارد طوفان درو می‌کند. وقتی اسرائیل دست به این کشتار عظیم می‌زند و کسی جلوی آن را نمی‌گیرد، ملت فلسطین جز مقاومت راه دیگری ندارد. عملیات طوفان الاقصی کشته اسرائیلی‌ها است. آقای عرفات تمام سابقه انقلابی خود را قربانی کرد تا با اسرائیلی‌ها به صلح دست پیدا کند، اما اسرائیلی‌ها با او چه کار کردند؟ گفتند او مانع صلح است و عرفات را مسموم کردند و کشتند

با این وضعیت و با توجه به موفقیت عملیات طوفان الاقصی پس باید منتظر تقویت گفتمان مقاومت در بین ملت فلسطین و انزوای بیشتر جریان سازش طلب باشیم.

بله. اصلاً گزینه دیگری وجود ندارد. این حرف هر فرد ما در ایران نیست، بلکه گزارش‌های بین‌المللی هم آن را تأیید می‌کند. در واقع کسی که باد می‌کارد طوفان درو می‌کند. وقتی اسرائیل دست به این کشتار عظیم می‌زند و کسی جلوی آن را نمی‌گیرد، ملت فلسطین جز مقاومت راه دیگری ندارد. عملیات طوفان الاقصی کشته اسرائیلی‌ها است. آقای عرفات تمام سابقه انقلابی خود را قربانی کرد تا با اسرائیلی‌ها به صلح دست پیدا کند، اما اسرائیلی‌ها با او چه کار کردند؟ گفتند او مانع صلح است و عرفات را مسموم کردند و کشتند

پس جنگ فعلی طولانی‌ترین جنگ است؟

بله طولانی‌ترین نبرد دو طرف است. در دوره مقاومت نخبه‌ای و در بستری که کشورهای عربی در حال خارج شدن از صحنه آرمان فلسطین بودند و مصر شروع به سازش کرده بود، این گروه‌ها آرمان فلسطین را زنده نگه داشتند. به نظر من در این شرایط، نقاط عطفی در عرصه نبرد و در عرصه سیاسی رخ داد که این نقاط عطف با کمپ‌دیود شروع شد. در عرصه میدانی هم انتفاضه ممدانی این نقطه عطف است. گرچه با سازش مصر دولت‌های عربی به ظاهر اعتراض کردند و مقرر اتحادیه عرب هم از مصر به تونس منتقل شد، اما مصر رافعی را باز کرد که به مرور بقیه دولت‌های عربی هم وارد آن مسیر شدند و حتی سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم برای خود کوه‌های در این فطار برشتاب سازش رزور کرد. خب این یک نقطه عطف است. یک نقطه عطف هم در عرصه نبرد اتفاق افتاد که انتفاضه بزرگ ۱۹۸۷ میلادی بود و این امر چهار سال ادامه پیدا کرد و ستون فقرات ارتش اسرائیل را خرد کرد. ارتش اسرائیل آمادگی برای جنگ‌های کلاسیک و رویارویی با مقاومت نخبه‌ای داشت اما برای مقابله با انتفاضه آمادگی نداشت. وقتی این انتفاضه چهار سال ادامه پیدا کرد، این افترق نیست عین گزارش‌های اسرائیلی‌ها و بین‌المللی است که ارتش اسرائیل تاب‌آوری خود را از دست داد. اسرائیل این فشار را با توافق اسلو از روی دوش خود برداشت. مسئله دیگر هم این بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین تأسیس شد. این جنبش از سوی برخی از خروجی‌های جنبش اسلامی اخوانی فلسطین و برخی از نیروهای جریان‌های ملی و چپ فلسطینی شکل گرفت، یعنی تلفیقی بین مذهب و ملی‌گرایی رخ داد. فعالیت این جنبش بستر را برای تأسیس جریان اصلی اخوانی فلسطین یعنی حماس فراهم کرد. در واقع ما در کمتر از یک دهه شاهد دو تحول در صحنه فلسطین بودیم؛ یکی شکل‌گیری حضور جریان‌های اسلامی هم پیوند با توده مردم در عرصه مبارزه در قالب دو جنبش حماس و جهاد اسلامی که آرمان فلسطین را تقویت می‌کند و دوم بحث انتفاضه است. برای اولین بار صهیونیست‌ها مجبور می‌شوند سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به عنوان نماینده فلسطینی‌ها به رسمیت بشناسند. چون تا آن تاریخ اسرائیلی‌ها کلاً وجود ملت فلسطین را انکار می‌کردند. چون شعار اسرائیلی از اول این بود که سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین و با همین شعار آنجا را اشغال کردند. ایدئولوژی صهیونیستی مجبور می‌شود واقعیت ملت فلسطین را بپذیرد. ۱۷ اکتبر و جنگ غزه را در این بستر تاریخی باید دید. جنگ‌های کلاسیک با پیروزی و ابتکار عمل اسرائیلی‌ها تمام شد. روند صلح مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دولت و ارتش عربی را در کمپ‌دیود از روند آرمان فلسطین خارج و عدم موازنه وحشتناکی به نفع اسرائیل ایجاد و وارد جدیدی در صحنه عربی و اسلامی بار کرد به نام راه صلح که آسمان واقع‌گرایی بود، ولی واقعیت آن به عنوان کارشناسی عرض می‌کنم تسلیم در برابر واقعیت بود. مسیر سوم بحث مقاومت اسلامی و مردمی بود. ترکیب مقاومت مردمی و اسلامی و انتفاضه گسترده توده‌های فلسطینی در واقع یک نقطه عطف اساسی بود که نتایج آن را اکنون در لبنان دیدیم و اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی بدون قید و شرط برای اولین بار شد. این اتفاق سال ۲۰۰۰ افتاد. مسیر صلح وقتی به سازمان آزادی‌بخش فلسطین رسید، در اسلو این سازمان مسیر صلح را امتحان کرد، اما ابتدایی‌ترین حقوق ملت فلسطین را هم نتوانست بگیرد و به بن‌بست خورد و اسرائیلی‌ها حاضر به دادن حقوق حداقلی فلسطینی‌ها هم نشدند. عملاً اسرائیل از مسیر صلح به عنوان ابزار فریب استفاده کرد. این موضوع باعث شد مسیر صلح در صحنه فلسطین با بن‌بست مواجه شود و این هم یک نقطه عطف بود. صحنه امروز را باید در این بستر تحلیل کرد.

با این وضعیت و با توجه به موفقیت عملیات طوفان الاقصی پس باید منتظر تقویت گفتمان مقاومت در بین ملت فلسطین و انزوای بیشتر جریان سازش طلب باشیم.

بله. اصلاً گزینه دیگری وجود ندارد. این حرف هر فرد ما در ایران نیست، بلکه گزارش‌های بین‌المللی هم آن را تأیید می‌کند. در واقع کسی که باد می‌کارد طوفان درو می‌کند. وقتی اسرائیل دست به این کشتار عظیم می‌زند و کسی جلوی آن را نمی‌گیرد، ملت فلسطین جز مقاومت راه دیگری ندارد. عملیات طوفان الاقصی کشته اسرائیلی‌ها است. آقای عرفات تمام سابقه انقلابی خود را قربانی کرد تا با اسرائیلی‌ها به صلح دست پیدا کند، اما اسرائیلی‌ها با او چه کار کردند؟ گفتند او مانع صلح است و عرفات را مسموم کردند و کشتند

پس جنگ فعلی طولانی‌ترین جنگ است؟

بله طولانی‌ترین نبرد دو طرف است. در دوره مقاومت نخبه‌ای و در بستری که کشورهای عربی در حال خارج شدن از صحنه آرمان فلسطین بودند و مصر شروع به سازش کرده بود، این گروه‌ها آرمان فلسطین را زنده نگه داشتند. به نظر من در این شرایط، نقاط عطفی در عرصه نبرد و در عرصه سیاسی رخ داد که این نقاط عطف با کمپ‌دیود شروع شد. در عرصه میدانی هم انتفاضه ممدانی این نقطه عطف است. گرچه با سازش مصر دولت‌های عربی به ظاهر اعتراض کردند و مقرر اتحادیه عرب هم از مصر به تونس منتقل شد، اما مصر رافعی را باز کرد که به مرور بقیه دولت‌های عربی هم وارد آن مسیر شدند و حتی سازمان آزادی‌بخش فلسطین هم برای خود کوه‌های در این فطار برشتاب سازش رزور کرد. خب این یک نقطه عطف است. یک نقطه عطف هم در عرصه نبرد اتفاق افتاد که انتفاضه بزرگ ۱۹۸۷ میلادی بود و این امر چهار سال ادامه پیدا کرد و ستون فقرات ارتش اسرائیل را خرد کرد. ارتش اسرائیل آمادگی برای جنگ‌های کلاسیک و رویارویی با مقاومت نخبه‌ای داشت اما برای مقابله با انتفاضه آمادگی نداشت. وقتی این انتفاضه چهار سال ادامه پیدا کرد، این افترق نیست عین گزارش‌های اسرائیلی‌ها و بین‌المللی است که ارتش اسرائیل تاب‌آوری خود را از دست داد. اسرائیل این فشار را با توافق اسلو از روی دوش خود برداشت. مسئله دیگر هم این بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین تأسیس شد. این جنبش از سوی برخی از خروجی‌های جنبش اسلامی اخوانی فلسطین و برخی از نیروهای جریان‌های ملی و چپ فلسطینی شکل گرفت، یعنی تلفیقی بین مذهب و ملی‌گرایی رخ داد. فعالیت این جنبش بستر را برای تأسیس جریان اصلی اخوانی فلسطین یعنی حماس فراهم کرد. در واقع ما در کمتر از یک دهه شاهد دو تحول در صحنه فلسطین بودیم؛ یکی شکل‌گیری حضور جریان‌های اسلامی هم پیوند با توده مردم در عرصه مبارزه در قالب دو جنبش حماس و جهاد اسلامی که آرمان فلسطین را تقویت می‌کند و دوم بحث انتفاضه است. برای اولین بار صهیونیست‌ها مجبور می‌شوند سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به عنوان نماینده فلسطینی‌ها به رسمیت بشناسند. چون تا آن تاریخ اسرائیلی‌ها کلاً وجود ملت فلسطین را انکار می‌کردند. چون شعار اسرائیلی از اول این بود که سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین و با همین شعار آنجا را اشغال کردند. ایدئولوژی صهیونیستی مجبور می‌شود واقعیت ملت فلسطین را بپذیرد. ۱۷ اکتبر و جنگ غزه را در این بستر تاریخی باید دید. جنگ‌های کلاسیک با پیروزی و ابتکار عمل اسرائیلی‌ها تمام شد. روند صلح مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دولت و ارتش عربی را در کمپ‌دیود از روند آرمان فلسطین خارج و عدم موازنه وحشتناکی به نفع اسرائیل ایجاد و وارد جدیدی در صحنه عربی و اسلامی بار کرد به نام راه صلح که آسمان واقع‌گرایی بود، ولی واقعیت آن به عنوان کارشناسی عرض می‌کنم تسلیم در برابر واقعیت بود. مسیر سوم بحث مقاومت اسلامی و مردمی بود. ترکیب مقاومت مردمی و اسلامی و انتفاضه گسترده توده‌های فلسطینی در واقع یک نقطه عطف اساسی بود که نتایج آن را اکنون در لبنان دیدیم و اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی بدون قید و شرط برای اولین بار شد. این اتفاق سال ۲۰۰۰ افتاد. مسیر صلح وقتی به سازمان آزادی‌بخش فلسطین رسید، در اسلو این سازمان مسیر صلح را امتحان کرد، اما ابتدایی‌ترین حقوق ملت فلسطین را هم نتوانست بگیرد و به بن‌بست خورد و اسرائیلی‌ها حاضر به دادن حقوق حداقلی فلسطینی‌ها هم نشدند. عملاً اسرائیل از مسیر صلح به عنوان ابزار فریب استفاده کرد. این موضوع باعث شد مسیر صلح در صحنه فلسطین با بن‌بست مواجه شود و این هم یک نقطه عطف بود. صحنه امروز را باید در این بستر تحلیل ک